



بوتیک / ۱۳۸۲

«بوتیک» نخستین تجربه مستقل کارگردانی حمید نعمت‌الله است که نمایش آن در بیست‌ودومین جشنواره فیلم فجر، نعمت‌الله را به اولین سیمرغ بورلیشت در جشنواره فیلم فجر رساند. کمتر کارگردان‌هایی هستند که برای نخستین تجربه خود در سینما سرع موضوعات تئاترناش را از زندگی برداشته است. داستان «بوتیک» در بیان یکی از معدود فیلم‌های موفق سینمایی ایران در به تصویر کشیدن زندگی‌های جزئی و گروهی جوانان دانشواره است. تصویر شدن واقعی که از نمای نزدیک به نمایش واقعیت‌های زندگی دانشجویی و مناسبات حاکم بر این مدل از زندگی پرداخته است. داستان «بوتیک» در ظاهر از همان الگوی همیشگی قصه‌های عاشقانه ایرانی بی‌بهری می‌کند ولی در بطن خود نگاه‌ی دقیق و موثکافه‌ای بی‌مغضات و آسیب‌های اجتماعی موجود در جامعه ایرانی دارد که در سال‌های ابتدای دهه ۸۰ دارد. نگاه‌ی که نشان‌دهنده زیربنای نعمت‌الله و درک کلیت او از برخی از این معضلات منحصربه‌فرد از جمله زندگی در خانه‌های مجردي و دانشجویی است. قصه‌ای که پایان‌بندی آن شیبه پایان‌بندی آثار مسعود کیمیایی است و بدون شک نمی‌توان تاثیر حضور حمید نعمت‌الله را به عنوان دستیار چند اثر کیمیایی در این موضوع نادیده گرفت. «بوتیک» علاوه بر این توانست عرصه‌ای برای حضور بازیگران جوانی باشد که بعدها به چهره‌های اصلی سینما بدل شدند، از یکسو حامد بهداد رسماً با بازی در فیلم سینمایی «بوتیک» به عنوان یک بازیگر حرفه‌ای به سینمای ایران معرفی شد و از سوی دیگر محمدرضا گلزار با بازی در این فیلم توانست فرصتی را برای نمایش استعداد‌های خود در عرصه بازیگری به‌دست آورد؛ بازیگری که تا پیش از بوتیک، بیشتر به عنوان یک جوان خوش چهره در میان اهالی سینما شناخته می‌شد و بسیاری از دیدن کاراکتری متفاوت و پر-انرژی فیلم متعجب شده بودند.

نمایش و پرز-ان فیلم منتخب شده بودند.



بی‌پولی / ۱۳۸۷

نعمت‌الله ۵ سال پس از «بوتیک» با همان دید اجتماعی سرع‌ی «بی‌پولی» رفت. البته این‌بار نگاه‌ی کلاملاً متفاوت به معضلات اجتماعی داشت تا روایت او از مسأله بی‌پولی و فقر، همراه با چاشنی شوخ فلیم دراز برهن و شوهری است که روند زندگی آنها را دچار بی‌پولی می‌کند معضلی که باعث ایجاد موقعیت‌هایی متمدد برای ارچاه‌های فرامنتی فیلمساز به آسیبه‌ها و معضلات اجتماعی و واکاوی برخی از آنها می‌شود. نیست که نعمت‌الله خواهد بکند و سرع مقدم‌توسط نرود یا برعکس! فقر، بیکاری، محرومیت و تضادهای طبقاتی از یک سو و فشارهای ناشی از جلودفروشی و چشم‌هوشی از سوی دیگر، ۲ طرف قصه‌ای را تشکیل می‌دهد که حمید نعمت‌الله برای زوج بی‌پول شده فیلم خود در نظر گرفته است. احتمالاً موفقیت نعمت‌الله در نمایش برخی موقعیت‌ها مثل زندگی مجردي در «بوتیک»، او را ترغیب کرد تا در دومین ساخته مستقل سینمایی خود نیز سرع نمایش این موقعیت‌ها بود. معضلی که اتفاقاً بار هم به بازی فیلم‌نعمت‌الله تا نمایش ماجرای «بی‌پول شدن» این زوج جوان با طعن ناشی از مناسبات حاکم بر روابط میان کاراکترهای حاضر در این خله مجردي، روانی که علاوه بر مخاطبان عام به چشم منتقدان نیز آمد تا حد کار استاد گوفتن بازی‌های متفاوت از بازیگری است که عموماً با نقش ایفای ثابت و منسایه در ذهن مخاطبان ملدگذار می‌شوند. تجربه‌ای که نخستین‌بار با گرفتن یک بازی متفاوت از محمدرضا گلزار در «بوتیک» نمایان شد و با بهرام رادان و لیل‌حاجمی در «بی‌پولی» تکرار شد. «لیلا حاجمی» در این فیلم در نقش دختری ساده و درسخوان و در عین حال ظاهرپری و دلاده و بهرام رادان در نقش جوانی معرود و البته مفروض ایفای نقش می‌کند که هر کدام به نوبی یکی از بهترین بازی‌های دوران بازیگری خود را به نمایش می‌گذارند. بازی‌های خوب و روانی که علاوه بر مخاطبان عام به چشم منتقدان نیز آمد تا حد کار سیمرغ بورلیشت فیلم پرگزیده ملانگران بیست‌وهفتمین دوره جشنواره فیلم فجر، سیمرغ بورلیشت نقش اول زن این دوره از جشنواره نیز به لیل‌ا حاجمی بازی برای در این فیلم برسد.

درباره یکی از معدود زوج‌های هنری موفق سینمایی ایران

نعمت‌الله و مقدم‌دوست همدیگر را کامل کردند!

میکائیل دانی

پیدایمی‌شوند که به یک پدیده به یک شکل نگاه کنند. همین مساله باعث می‌شود کمتر تالیفات هنری را اسراع داشته باشیم که معمول تکرر ۲ نفر باشد اما اگر ۲ نفر بتوانند در کنار هم با نگاهی متمم محصولی خلق کنند، آن اثر ماندگار می‌شود. در سینما و تلویزیون ایران کمتر از اشتنان یک دست زوج کاری موفق را می‌توان برشمرد. در سال‌های دورتر «مهران مدیری» و «هرادان قاسمی‌خانی» بودند که «پاورچین»، «قطعه چین»، «شش‌ب‌ساره سره»، «باغ مظفر» و «هرد هزار چشیره» طنزهای پرطرفداری بود که محصول همکاری آنها بود، در سال‌های نزدیک «محمدحسین مهدویان» و «ارهمی ایبنا» بود، ۲ زوجی بودند که در کنار هم «خرپن زاربان زمستان»، «بستانده در غیار»، «هاجرای نیمروز» و «نازلی» را خلق کردند و در همه ۲ دهه اخیر یک زوج هنری موفق که چندین اثر سینمایی و تلویزیونی ماندگار خلق کرده و هیچ‌گاه از یکدیگر جدا نشدند؛ «حمید نعمت‌الله» و «هادی مقدم‌دوست» بودند.

«شعلور»، «آرایش غلیظ»، «سر به مهر»، «بی‌پولی» و مجموعه تلویزیونی «وضعیت سفید» محصول مشترک این زوج هنری است که کار کردن با یکدیگر را از گروه‌های نوبسنده‌ی اولسودسیم‌ا شروع کردند و طرح اولیه مجموعه داستانی «روزگار جوانی» نیز محصول کار و ایده این زوج سینمایی بود.



که شخصیت‌های داستان‌های آنها به‌صورت مداوم در رفت و آمد «هفتیت» و «هویتیت» و «سر به مهر» و «جمعیت» هستند. بخش زیادی از فیلمنامه «بی‌پولی» که در نهایت به معضلات اجتماعی، در ذهن و تکریرهای ذهنی کاراکترهای «شکوه»، «سیا» و «مینا» می‌گذرد و محصول و پرز-ان نگاه‌های فردی شخصیت‌ها را با جامعه و چالش‌های اجتماعی اطرافشان شکل می‌دهد. شخصیت‌ها از آن فضای ذهنی وارد متن اجتماعی می‌شوند و یک دغدغه اجتماعی یا

«پیچیدگناری» نقطه اشتراک دیگر این زوج هنری است؛ پیچیدگی‌های رفت و رفتار در شخصیت شخصیت‌های دیده می‌شود. هادی مقدم‌دوست که در ظاهر چهره‌ای خجالتی و سرر به زیر است، در یک دیالوگ چند ساعته می‌تواند لایه‌های مختلف خود را بروز دهد و در وجهی دیگر حمید نعمت‌الله است که در کمتر مشاهده چندی شرکت کرده و همواره تلاش داشته حرف‌هایش را در فیلم‌هایش برزند اما همان راهم با لایه لایه کردن گفته تا مخاطب را به مغز و شیوه برساند.

سینمایی‌شان اجتماعی است؛ اجتماعی نه به معنای مصطلح جریان روشنفکری که ترکیبی است از تلخی، سینمایی و بدیلتی جامعه ایفای، بلکه اجتماعی است به معنای نقد فرهنگ عمومی و فضای اجتماعی و فرهنگی که در نهایت فیلمنامه به مخاطب پیام درست را می‌داند. سینمای اجتماعی که گاه لایحه طنز نیز به خود می‌گیرد و اتفاقاً این طنساری را بدون تصنع و باورپذیر عرضه می‌کند. سینمای نعمت‌الله و مقدم‌دوست اگرچه به لحاظ تکنیک حرفه‌ای بودن حسلاً دیگر بازی خودش حرفی برای گفتن دارد و حمید نعمت‌الله را یکی از ۱۰ مولف سینمای ایران می‌شناسند اما در این سینما او و مقدم‌دوست اصلاً جایگاه مدافع جریان روشنفکری را ندارند و از زبان و نگاه آنها به جامعه نگاه نمی‌کنند. اتفاقاً بیشترین نقدفشار در سینمای آنها معضلات همین طبقه جامعه است که در داستان‌های آنها طبقه مزبور و قلیت جامعه تعریف نمی‌شود.

این زوج هنری را حالا بعد از ۲۰ سال در کنار هم بودن نمی‌توان چا از هم تصور کرد، هم‌چنان که خودشان هم متفقند هیچ کاری نیست که نعمت‌الله خواهد بکند و سرع مقدم‌توسط نرود یا برعکس!



گفت‌وگوی «وطن امروز» با تهیه‌کننده فیلم سینمایی «شعلور» درباره حمید نعمت‌الله

به ارزش‌های اجتماع وفادار است



محمدرضا شفیعی، یکی از تهیه‌کنندگان جوان اما فعال سینما و تلویزیون است که به عنوان تهیه‌کننده در بخش مهمی از آثار حمید نعمت‌الله حضور داشته است. آثاری چون «وضعیت سفید»، «سرر به مهر» و چندین فیلم تلویزیونی از جمله مهم‌ترین همکاری‌های نعمت‌الله و شفیعی است. نمیی که «شعلور» حاصل تازه‌ترین همکاری آنهاست و این روزها در حال اکران در سینماهای کشور است. همکاری طولانی‌مدت و پر تکرار نعمت‌الله و شفیعی بهانه‌ای شد تا سرع او و بریم و در گفت‌وگویی کوتاه به بررسی بخشی از ویژگی‌های آثار نعمت‌الله بپردازیم.

■ به عنوان کسی که همکاری‌های متعددی را در سینما و تلویزیون با حمید نعمت‌الله داشته فکر می‌کنید دلیل علاقه او به موضوعات اجتماعی و اخلاقی چیست؟

همکاری بنده با حمید نعمت‌الله به بیش از ۷ اثر تلویزیونی برمی‌گردد و علاوه بر آن در آثاری چون «سرر به مهر»، «شعلور» و «وضعیت سفید» پروژه مشترک داشته‌ایم. این روزها هم مشغول کار روی سریال تلویزیونی به نام «سرباز» هستیم که به نویسندگی حمید نعمت‌الله و کارگردانی هادی مقدم‌دوست جلوی دوربین خواهد رفت. به نظر من نگاه حمید نعمت‌الله به موضوعات اجتماعی بسیار سالم و اخلاقی‌مدار است. اگر شما به فیلم‌های تلویزیونی وی هم نگاهی بیندازید همه موضوعاتش از فیلمنامه «بی‌پولی» گرفته و «سرر به مهر» و «رگ خواب» در ذهن و تکریرهای ذهنی کاراکترهای «شکوه»، «سیا» و «مینا» می‌گذرد و محصول و پرز-ان نگاه‌های فردی شخصیت‌ها را با جامعه و چالش‌های اجتماعی اطرافشان شکل می‌دهد. شخصیت‌ها از آن فضای ذهنی وارد متن اجتماعی می‌شوند و یک دغدغه اجتماعی یا

حسّی می‌توام بگویم برخی اوقات که ما در پروژه‌های مختلف درساره کارها با هم بحث می‌کنیم، نگاه ایشان در بعضی مسائل نسبت به نگاه بنده متمم‌تر است. مثلاً در شعلور بنای‌مان این بود که یک فیلم اجتماعی بسازیم و معضلی را مطرح فرار دادیم که بسیاری از فسادهای اخلاقی، اجتماعی و حتی سیاسی‌اش از آن نشأت می‌گیرد و این معضل چیزی جز «حسادت» نبود که از دنیایه همواره وجود داشته و در کشور ما نیز آسیبهایی فراوانی را وارد کرده است.

شاید بهتر بگویم خورده - این صحنه‌آرایی سرتما باشیم اما وقتی می‌خواهیم درام مسالهای مثل حسادت فیلم بسازیم، دیگر نگاهمان جامعه هم‌چنین است که در نهایت فیلمنامه به مخاطب پیام درست را می‌داند. سینمای اجتماعی که گاه لایحه طنز نیز به خود می‌گیرد و اتفاقاً این طنساری را بدون تصنع و باورپذیر عرضه می‌کند. سینمای نعمت‌الله و مقدم‌دوست اگرچه به لحاظ تکنیک حرفه‌ای بودن حسلاً دیگر بازی خودش حرفی برای گفتن دارد و حمید نعمت‌الله را یکی از ۱۰ مولف سینمای ایران می‌شناسند اما در این سینما او و مقدم‌دوست اصلاً جایگاه مدافع جریان روشنفکری را ندارند و از زبان و نگاه آنها به جامعه نگاه نمی‌کنند. اتفاقاً بیشترین نقدفشار در سینمای آنها معضلات همین طبقه جامعه است که در داستان‌های آنها طبقه مزبور و قلیت جامعه تعریف نمی‌شود.

این سینما او و مقدم‌دوست اصلاً جایگاه مدافع جریان روشنفکری را ندارند و از زبان و نگاه آنها به جامعه نگاه نمی‌کنند. اتفاقاً بیشترین نقدفشار در سینمای آنها معضلات همین طبقه جامعه است که در داستان‌های آنها طبقه مزبور و قلیت جامعه تعریف نمی‌شود. سینمای اجتماعی که گاه لایحه طنز نیز به خود می‌گیرد و اتفاقاً این طنساری را بدون تصنع و باورپذیر عرضه می‌کند. سینمای نعمت‌الله و مقدم‌دوست اگرچه به لحاظ تکنیک حرفه‌ای بودن حسلاً دیگر بازی خودش حرفی برای گفتن دارد و حمید نعمت‌الله را یکی از ۱۰ مولف سینمای ایران می‌شناسند اما در این سینما او و مقدم‌دوست اصلاً جایگاه مدافع جریان روشنفکری را ندارند و از زبان و نگاه آنها به جامعه نگاه نمی‌کنند. اتفاقاً بیشترین نقدفشار در سینمای آنها معضلات همین طبقه جامعه است که در داستان‌های آنها طبقه مزبور و قلیت جامعه تعریف نمی‌شود.

این زوج هنری را حالا بعد از ۲۰ سال در کنار هم بودن نمی‌توان چا از هم تصور کرد، هم‌چنان که خودشان هم متفقند هیچ کاری نیست که نعمت‌الله خواهد بکند و سرع مقدم‌توسط نرود یا برعکس!

ما در کشورمان خیلی از مشکلات کشور را به بیرون نسبت می‌دهیم در حالی که همه ما در ک می‌کنیم خیلی از مشکلات از خودمان است. در دنیای سینما هم قضا به همین شکل است. بسیاری از مشکلات ما از خودمان نشأت می‌گیرد. طمع پول، ثروت، شهرت و گیشه باعث می‌شود فیلم‌هایی را بسازیم که سلیقه مخاطب سینما را تغییر می‌دهد. مخاطب با دنیایی در سینما مواجه می‌شود که دغدغه فرهنگ ندارد و صرفاً به سرگرمی و خلق فضایی تفننی، کلیاتی می‌کند.

ما طی ۳ ماه در سینما کارگردانی به دوستان گفتم ما اول باید از خودمان شروع کنیم، بدون و فروش خیلی خوب است اما تا یک جایی نمی‌توانیم که برای فروش بیشتر معیارهای فرهنگی خودمان را زیر پا

پرونده «وطن امروز» درباره نعمت‌الله به بهانه اکران تازه‌ترین اثرش «شعلور»

سینمای حمید

گروه فرهنگ و هنر: از «بوتیک» تا «بی‌پولی»، از «رگ خواب» تا «آرایش غلیظ» همه در زمره آثاری در سینمای ایران بودند که عمده منتقدان آنها را هم دغدغه‌مند و هم سینما می‌دانستند. فرزانه‌ی که همه از بزر خود یعنی حمید نعمت‌الله این ویژگی‌ها را به ارن بردند؛ دغدغه‌مند و سینماپلند. کارگردانی که کمتر منتقدی فرم آثار او را زیر سوال برده و هیچ تحلیلمری محتوای آن را ندش تا با «چواد طوسی» و «سعید ظهیری‌زاده» ۲ نفر از منتقدان شناخته شده سینمای ایران به گفتوگو بنشینیم و نظر آنها را درباره سینمای نعمت‌الله و آثار او جویا شویم.



گروه فرهنگ و هنر: از «بوتیک» تا «بی‌پولی»، از «رگ خواب» تا «آرایش غلیظ» همه در زمره آثاری در سینمای ایران بودند که عمده منتقدان آنها را هم دغدغه‌مند و هم سینما می‌دانستند. فرزانه‌ی که همه از بزر خود یعنی حمید نعمت‌الله این ویژگی‌ها را به ارن بردند؛ دغدغه‌مند و سینماپلند. کارگردانی که کمتر منتقدی فرم آثار او را زیر سوال برده و هیچ تحلیلمری محتوای آن را ندش تا با «چواد طوسی» و «سعید ظهیری‌زاده» ۲ نفر از منتقدان شناخته شده سینمای ایران به گفتوگو بنشینیم و نظر آنها را درباره سینمای نعمت‌الله و آثار او جویا شویم.

محمدرضا شفیعی، یکی از تهیه‌کنندگان جوان اما فعال سینما و تلویزیون است که به عنوان تهیه‌کننده در بخش مهمی از آثار حمید نعمت‌الله حضور داشته است. آثاری چون «وضعیت سفید»، «سرر به مهر» و چندین فیلم تلویزیونی از جمله مهم‌ترین همکاری‌های نعمت‌الله و شفیعی است. نمیی که «شعلور» حاصل تازه‌ترین همکاری آنهاست و این روزها در حال اکران در سینماهای کشور است. همکاری طولانی‌مدت و پر تکرار نعمت‌الله و شفیعی بهانه‌ای شد تا سرع او و بریم و در گفت‌وگویی کوتاه به بررسی بخشی از ویژگی‌های آثار نعمت‌الله بپردازیم.

■ به عنوان کسی که همکاری‌های متعددی را در سینما و تلویزیون با حمید نعمت‌الله داشته فکر می‌کنید دلیل علاقه او به موضوعات اجتماعی و اخلاقی چیست؟

همکاری بنده با حمید نعمت‌الله به بیش از ۷ اثر تلویزیونی برمی‌گردد و علاوه بر آن در آثاری چون «سرر به مهر»، «شعلور» و «وضعیت سفید» پروژه مشترک داشته‌ایم. این روزها هم مشغول کار روی سریال تلویزیونی به نام «سرباز» هستیم که به نویسندگی حمید نعمت‌الله و کارگردانی هادی مقدم‌دوست جلوی دوربین خواهد رفت. به نظر من نگاه حمید نعمت‌الله به موضوعات اجتماعی بسیار سالم و اخلاقی‌مدار است. اگر شما به فیلم‌های تلویزیونی وی هم نگاهی بیندازید همه موضوعاتش از فیلمنامه «بی‌پولی» گرفته و «سرر به مهر» و «رگ خواب» در ذهن و تکریرهای ذهنی کاراکترهای «شکوه»، «سیا» و «مینا» می‌گذرد و محصول و پرز-ان نگاه‌های فردی شخصیت‌ها را با جامعه و چالش‌های اجتماعی اطرافشان شکل می‌دهد. شخصیت‌ها از آن فضای ذهنی وارد متن اجتماعی می‌شوند و یک دغدغه اجتماعی یا

حسّی می‌توام بگویم برخی اوقات که ما در پروژه‌های مختلف درساره کارها با هم بحث می‌کنیم، نگاه ایشان در بعضی مسائل نسبت به نگاه بنده متمم‌تر است. مثلاً در شعلور بنای‌مان این بود که یک فیلم اجتماعی بسازیم و معضلی را مطرح فرار دادیم که بسیاری از فسادهای اخلاقی، اجتماعی و حتی سیاسی‌اش از آن نشأت می‌گیرد و این معضل چیزی جز «حسادت» نبود که از دنیایه همواره وجود داشته و در کشور ما نیز آسیبهایی فراوانی را وارد کرده است.

شاید بهتر بگویم خورده - این صحنه‌آرایی سرتما باشیم اما وقتی می‌خواهیم درام مسالهای مثل حسادت فیلم بسازیم، دیگر نگاهمان جامعه هم‌چنین است که در نهایت فیلمنامه به مخاطب پیام درست را می‌داند. سینمای اجتماعی که گاه لایحه طنز نیز به خود می‌گیرد و اتفاقاً این طنساری را بدون تصنع و باورپذیر عرضه می‌کند. سینمای نعمت‌الله و مقدم‌دوست اگرچه به لحاظ تکنیک حرفه‌ای بودن حسلاً دیگر بازی خودش حرفی برای گفتن دارد و حمید نعمت‌الله را یکی از ۱۰ مولف سینمای ایران می‌شناسند اما در این سینما او و مقدم‌دوست اصلاً جایگاه مدافع جریان روشنفکری را ندارند و از زبان و نگاه آنها به جامعه نگاه نمی‌کنند. اتفاقاً بیشترین نقدفشار در سینمای آنها معضلات همین طبقه جامعه است که در داستان‌های آنها طبقه مزبور و قلیت جامعه تعریف نمی‌شود.

این سینما او و مقدم‌دوست اصلاً جایگاه مدافع جریان روشنفکری را ندارند و از زبان و نگاه آنها به جامعه نگاه نمی‌کنند. اتفاقاً بیشترین نقدفشار در سینمای آنها معضلات همین طبقه جامعه است که در داستان‌های آنها طبقه مزبور و قلیت جامعه تعریف نمی‌شود. سینمای اجتماعی که گاه لایحه طنز نیز به خود می‌گیرد و اتفاقاً این طنساری را بدون تصنع و باورپذیر عرضه می‌کند. سینمای نعمت‌الله و مقدم‌دوست اگرچه به لحاظ تکنیک حرفه‌ای بودن حسلاً دیگر بازی خودش حرفی برای گفتن دارد و حمید نعمت‌الله را یکی از ۱۰ مولف سینمای ایران می‌شناسند اما در این سینما او و مقدم‌دوست اصلاً جایگاه مدافع جریان روشنفکری را ندارند و از زبان و نگاه آنها به جامعه نگاه نمی‌کنند. اتفاقاً بیشترین نقدفشار در سینمای آنها معضلات همین طبقه جامعه است که در داستان‌های آنها طبقه مزبور و قلیت جامعه تعریف نمی‌شود.

این زوج هنری را حالا بعد از ۲۰ سال در کنار هم بودن نمی‌توان چا از هم تصور کرد، هم‌چنان که خودشان هم متفقند هیچ کاری نیست که نعمت‌الله خواهد بکند و سرع مقدم‌توسط نرود یا برعکس!

ما در کشورمان خیلی از مشکلات کشور را به بیرون نسبت می‌دهیم در حالی که همه ما در ک می‌کنیم خیلی از مشکلات از خودمان است. در دنیای سینما هم قضا به همین شکل است. بسیاری از مشکلات ما از خودمان نشأت می‌گیرد. طمع پول، ثروت، شهرت و گیشه باعث می‌شود فیلم‌هایی را بسازیم که سلیقه مخاطب سینما را تغییر می‌دهد. مخاطب با دنیایی در سینما مواجه می‌شود که دغدغه فرهنگ ندارد و صرفاً به سرگرمی و خلق فضایی تفننی، کلیاتی می‌کند.

ما طی ۳ ماه در سینما کارگردانی به دوستان گفتم ما اول باید از خودمان شروع کنیم، بدون و فروش خیلی خوب است اما تا یک جایی نمی‌توانیم که برای فروش بیشتر معیارهای فرهنگی خودمان را زیر پا

حمید نعمت‌الله در گفت‌وگوی «وطن امروز» با منتقدان

حمید نعمت‌الله از آن دسته کارگردان‌هایی است که همیشه آثارش در میان منتقدان محبوب بوده است؛ کارگردانی گزیده‌کار که در کنار محبوبیت در میان منتقدان و مخاطبان خاص سینما، در گیشه سینما و در میان مخاطبان عام هم طرفداران پر و پاقرص خود را دارد. پرونده کارنامه کاری حمید نعمت‌الله بهانه‌ای شد تا با «چواد طوسی» و «سعید ظهیری‌زاده» ۲ نفر از منتقدان شناخته شده سینمای ایران به گفتوگو بنشینیم و نظر آنها را درباره سینمای نعمت‌الله و آثار او جویا شویم.



به نظر می‌آید مهم‌ترین نکته در کار نعمت‌الله ضرورتی است که او در متفاوت بودن لحن بیانی خودش در قالب فرم داشته که باعث شده آثار نعمت‌الله به تکرار نبینند. او آثار متنوعی داشته که در آنها یک نگاه و یک تعریف متفاوت نسبت به سینمای اجتماعی را بر اساس شرایط و زمانه آن منظر داشته است. به عنوان مثال «شعلور» که از ذهن خودش بیرون آمده است و محصول «رگ خواب» از نظر زبان، زیبایی‌شناسی، قالب بیان و فرم متفاوت است که این‌بار این یک فیلمساز خیلی خوب است. آن کسی که مرحله به مرحله سینمای فیلم‌های نعمت‌الله جلو آمده، هم سینمای نعمت‌الله را می‌فهمد و هم فهم عمیق‌تری نسبت به دیگریان در مواجهه با سینما پیدا می‌کند. مثلاً «شعلور» که تعریف خیلی نو و متفاوت از لوکیشن ارائه می‌کند. لوکیسشی که فرهنگ و تاریخ بخشی از جامعه ما در سینستان است و در این امر منطبق کرده با خصوصیات فردی مردی که در معرض ترک اعتداد است و در حال طی دوران نفاذتشن است و حالا مواجه است با برخورد‌های پیچیده که او حس انتقال‌جویی را باوروی می‌کند

و این لوکیسشن او را در معرض دگردیسی قرار می‌دهد. در انتهای فیلم آنجا که با و نشسته و با آفتاب یک کنتراست رنگی جذاب را ایجاد کرده، او را در مقایسه می‌بینیم که فراتر از تغییر کند، سرش به سنگ خورده - این صحنه‌آرایی نمایانگر آن است که نعمت‌الله تکنیک را بخوبی می‌شناسد و این تکنیک را به خدمت محتوای مورد نظرش آورده است. نکته دیگر درباره سینمای نعمت‌الله شناختن است که او از طبقات مختلف جامعه ما دارد بویژه طبقاتی که بیشتر در معرض آسیب قرار دارند، در آرایش غلیظ و وضعیت هوئناگی را نشان می‌دهد که جامعه دارد از اصول و قواعد اخلاقی خودش دور می‌افتد. در «شعلور» هم دیده می‌شود. از این حیث فیلم‌های نعمت‌الله می‌تواند بسیار کمک‌کننده باشد به تحلیلمگران اجتماعی و جامعه‌شناسان ما! آنچه در سینمای نعمت‌الله وجود دارد و امروز باعث کمتر دیده شدن شعلوره شده است، جلوتر بودن نعمت‌الله از جامعه و مخاطبانش است و بخشی از این جلو بودن به خاطر تزریق همین سهل‌پسندی در سینمات.

برای فیلمسازی که راه خودش را رفت و موج‌سواری نکرد

تحلیل پیچیده تصمیم‌های ساده

محمدرضا کردلو: «بی‌پولی»؛ سکانس محاجه کشنده‌ی فریبی بی در پی شخصیت‌ها و لامل در پیچیدگی رفتارها و تصمیماتی که همیشه ساده دیده‌ایم.شان اگرچه نعمت‌الله پیش از «بوتیک» با نام بی‌پولی نام اثر فراوانی را ساخته و پرداخته بود اما با بوتیک بود که به سینمای ایران فیلمساز مولف‌ی را شناساند که بی‌هراس از آنچه در موج‌سواری سینما در جریان است، کار خودش را می‌کند. نعمت‌الله در بوتیک ظهور و بروز نگاه‌ی متفاوت از کارگردانان پیشین را نوید داد. نگاهی که جدی‌تر از دیگر کارگردانان هم ععرش به کنش‌های درونی شخصیت می‌پرداخت. با تحلیلی روانشناختی و پیچیده، منسأ شده‌ترین رفتارها و روزروزمین تصمیم‌ها را می‌گوید. در دیالوگ‌هایی که می‌نویسد و کارگردانی می‌کند به شکل قابل درک شناسایی این تحلیل روانشناختی هست.

به بوتیک بازگردیم. نخستین ساخته جدی کارگردانی که کاری را کراسانت کرد و شاید بی‌آنکه خود بداند توانست تصویری واقع‌تری از همه تصویرسازی‌های دوم خرداد از جوان و جامعه سال‌های آغازین دهه ۸۰ نشان دهد. او مجردها را واقع‌ی نشان داد و ترسید از اینکه روزگار جوانی را سینمایی کند. نعمت‌الله پیش از حتی در حین آغاز دورانی که قرار بود نقد اجتماعی در مدیوم سینما، صفا روایتی از تنگی‌های مکرر باشد. تلاش بود واقعیت را زنده کند. بوتیک در عین حال که پایایی بر محافظه‌کارهای امرسود می‌نمید، نمی‌خواست از آن‌طرف پام ببیند. روایت زنجاری رفتارهای رفتاری و رفتاری در دام وسوسه‌پروریکس ساختارگرایی افراطی، کار دشوار کارگردان بوتیک بود. ظهور و بروز این نگاه را باز می‌توان در «رگ خواب» دید. رگ خواب متنک از فضای اجتماعی سینمای ایران است که با همه مخروبه می‌کند و در عین حال به تصمیم‌های شخصیت «مینا» بهانه می‌شود. مینا با تصمیم خود ازدواج کرده پدرش مخالف بوده، طلاق گرفته و با در عین حال که می‌داند، تصمیم ماجراجویانه‌اش برای برقراری ارتباط



عاشقانه دیگر، چه دورانی را برای او آغاز خواهد کرد، به این ارتباط می‌تهد. او البته باز اشتباه می‌کند. نعمت‌الله نقد «وجه‌های پر رنگ»ه را در چا از تصمیمات مینا می‌داند. تجرب دیگر معضلات در شخصیت‌پردازی‌های او است. ابرج و شکوه در «بی‌پولی» (محمود حامد بهداد) در آرایش غلیظ و فرید (امین حیایی) «ماجرای «شعلور» همگی منحصربه‌فردند. ماحصل همین شخصیت‌پردازی و البته قصاصاری، فیلم‌های نعمت‌الله نیز منحصربه‌فرد تعریف می‌شوند. نعمت‌الله هرسانی از این نادره که رفتارهای بی‌منطق شخصیت‌هایش، دیوالیگی تعریف غشود و بی‌اندارد شخصیت‌هایشان را امتاز از آنچه برای مخاطب آشکار و فرآرد شده است، بسازد. شخصیت‌های او می‌توانند متحد شوند. خیلی جدی گنج باشند. مثل ابرج خیلی جدی معرود باشند. مثل مسعود در آرایش غلیظ نیروور باشند. مثل فرید در شعلور خیلی جدی حسادت کنند. «هیچک جیک مستنوت بود، فکر مستنوت نبود» را در بی‌پولی خوب می‌فهمیم. «هر کج به مقصد نمی‌رسد» (در آرایش غلیظ و حدود هرگز نایسود» را در شعلور. را در شعلور. بی‌آنکد آخر فیلم متنی نویسیم و پیام اخلاقی برسانند پیام اخلاقی «وقت» می‌گذارند. آنچه بالاتر نوشتیم ناظر به همین بود. تحلیل پیچیده ساده‌ترین رفتارها و تصمیمات روزمره شخصیت‌هاست که مخاطب را با یک کنشی درونی او خود وادار می‌کند. اجنبیتی را که نعمت‌الله به «فرید» شخصیت می‌دهد. نیز همین اجنبیتی می‌شود تحلیل کرد. حمید نعمت‌الله می‌توانست با این عمق و اهمیت دادن به تالیف در میان غامه شناخته‌شده‌تر است بسیاری دیگر از فیلمسازان وطنی باشد اما از توانست که برای دیده شدنش به دامان شاهشاه‌ها شود. راه خودش را رفت و موج‌سواری نکرد.

| | |
|--------------------|------|
| نویسنده | ۱۳۴۶ |
| نویسنده و کارگردان | ۱۳۴۶ |
| کارگردان | ۱۳۴۶ |
| دستیار کارگردان | ۱۳۴۶ |
| تولیدکننده | ۱۳۴۶ |
| سوزنی پرورچهر | ۱۳۴۶ |
| آرایش غلیظ | ۱۳۴۶ |
| رگ خواب | ۱۳۴۶ |
| شعلور | ۱۳۴۶ |
| ای دوست... | ۱۳۴۷ |
| بی‌آرامی‌گذاشته... | ۱۳۴۷ |
| فریدون... | ۱۳۴۸ |
| لب دریا | ۱۳۴۶ |
| وضعیت سفید | ۱۳۴۶ |
| خواب می‌آد | ۱۳۴۶ |
| سرر به مهر | ۱۳۴۶ |
| راه‌روسم سفر | ۱۳۴۶ |
| موسیقی | ۱۳۴۶ |
| صحنات | ۱۳۴۶ |



نعمت‌الله در تازه‌ترین تجربه فیلمسازیش در شعلور هم به دنبال همان نگاه اخلاقی خود رفت. یعنی حمید نعمت‌الله در «رنگ ساخت» و تولید این کوپر زده تا در سرزمین آرام‌سازیم و دوست‌داشتنی تجربه کارگردانی سینمایی هادی مقدم‌دوست به شمار می‌رود. به عنوان نویسنده و فیلمساز خود حضور پیدا کرده است. قصه‌ای که همچون اغلب همکاری‌های اصلی آن هستند و بازیگران فیلم همچون اغلب آثار سینمایی نعمت‌الله، به نقد برخی ویژگی‌های منفی اخلاقی انسان‌ها در جمله طمع و چشم‌پوری می‌پردازد. موسیقی متن این فیلم که حاصل همکاری همایون شجریان و سهراب پورناظری است، یکی دیگر از نقاط مثبت این اثر است.

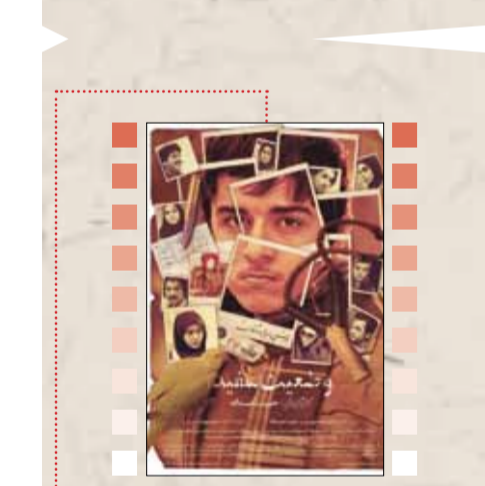
هر چند این فیلم در حد و اندازه سایر آثار سینمایی حمید نعمت‌الله نبود ولی المان‌های سینمایی نعمت‌الله را به وضوح می‌توان در این اثر دید. قصه جالبی که بار فاجاقت ترقه و شفقش‌های چهارشنبه سوری یکی از دوستانش را بالا می‌کشد و از طریق دختری که دوستش دارد تلاش می‌کند قصه‌ای که امین حیایی و پسرش ذرا حیایی بازیگران نقش‌های اصلی آن هستند و بازیگران فیلم همچون اغلب آثار سینمایی نعمت‌الله، به نقد برخی ویژگی‌های منفی اخلاقی انسان‌ها در جمله طمع و چشم‌پوری می‌پردازد. موسیقی متن این فیلم که حاصل همکاری همایون شجریان و سهراب پورناظری است، یکی دیگر از نقاط مثبت این اثر است.

این فیلم به «امین حیایی» رسید.



رگ خواب / ۱۳۹۵

«رگ خواب» حمید نعمت‌الله را باید یکی از بهترین و تمیزترین تلاش‌های سینمای ایران در زمینه نمایش خجالت عاطفی و تاثیر آن بر ایامه مختلف زندگی افراد دست، تلاشی که سعی کرده در قالب نمایش معضل اجتماعی «عیب‌های ساده» یا به تعبیری «دواج سفید»، به نقد این معضل و تاثیرات ناشی از آن بپردازد. تلاشی که بدرستی توانسته فلسی انتقادش را در سمت جامعه روشنفکر نگاهه برساند. داستان «رگ خواب» با جدایی مینا (لیلا حاجمی) از همسرش آغاز می‌شود، جدایی که سرآغاز شکست شخصیت اصلی داستان است. مینا به‌خاطر مشکلات مالی این مجبور می‌شود در رستورانی کار کند که آنچنان محیط سازگاری ندارد. در همین محیط باسازگار است که ناگهان کاراکتر جدیدی به نام کیمین پیدا می‌شود که مینا را از میان باثاق خودساختاش نجات می‌دهد. باترفالی که با ترسش‌نگاری درست شخصیت اصلی حاصل کرد از نصیحت‌های پرهانه است. هنر نعمت‌الله در بازی گرفتن از بازیگرانش یک بار دیگر خود را در رگ خواب نشان داد تا گوشش تمامی در یکی از بهترین و متفاوت‌ترین نقش‌های کارنامه کارگاش را در قامت یک بدن بنشد. باورپذیر حس از تفرق و تقرب مخاطب را نسبت به رفتارهایش به خود روح برساند. مخاطب در ابتدا او را به عنوان یک مرد خادواد و انسان شریف باور می‌کند ولی در ادامه با نمایش چهره واقعی خود، مخاطب را از این میزان از ذرات خود شوکه می‌کند. بازی لیلا حاجمی هم با وجود آنکه به سباق اغلب نقش‌های قبلی او است ولی با این همه از جمله نقاط درخشان این فیلم است که البته نهایت هم سیمرغ بورلیشت بهترین بازیگر نقش اول نویسنجمین جشنواره فیلم فجر را نصیب او کرده. نان‌نویسی هنری است که فقط از یک زن برمی‌آید و در «رگ خواب» نعمت‌الله به مدد فیلمنامه مصومه بیات همسر او را، توانسته بخوبی به فضای زبانه شخصیت اصلی خود تزئیک شود، موضوعی که تبدیل به یکی از دغدغه‌ی ویژگی‌های مختصر به فرد این فیلم شده است.



وضعیت سفید / ۱۳۹۰

«وضعیت سفید» تنها تجربه سه‌سریال‌های حمید نعمت‌الله است که با وجود کم‌چربگی او در این حوزه، تبدیل به یکی از درخشان‌ترین آثار نمایشی تاریخ تلویزیون شد. اثری در حال و هوای سال‌های جنگ و تفرق زان روز موشکیاران دهه ۶۰ که تصویری شادمانه واقعی و باورپذیر است. در این دوران به نمایش می‌گذارند نکته‌ای که تبدیل به بزرگ‌ترین برگ برنده سریال‌های نعمت‌الله شد تا در روزگاری که بسیاری از مخاطبان سریال‌های تلویزیونی نسبت به تصویر غیرواقعی ارائه شده از سال‌هایی که خود تجربه زیست در آن را داشته‌اند، گنگند. بودند، بلاخره اثری تولید شود که یک تصویر واقعی از آن سال‌های سخت و شرایط ویژه آن ارائه کند، بویژه برای کسانی که آن روزها را تجربه نکرده‌اند و حسّی نوستالژیک برای کسانی که آن شرایط را از نزدیک لمس کرده‌اند. تصویری واقعی از یکی از مهم‌ترین مقاطع زمانی این سرزمین که همراه شده با داستانی پرکشش و پرگروه شخصیت‌هایی باورپذیر که سبختی می‌توان فهمد که آنها «ارفاوش کرد. علاوه بر باورپذیری بازی‌ها، جزئیات صحنه‌ها و طبیعی بودن دیالوگ‌ها ۲ نکته مهمی بود که بر کیفیت این سریال افزود. داستان این سریال هنگام شروع موشکیاران تهران از زمستان ۱۳۶۶ آغاز می‌شود. جایی که اضای خانواده‌های رجمیت که تقریباً همه با هم رفیق هستند و اختلاف دارند، برای دوری از حلات دشمن در باغ مادامشان در روستایی واقع در حومه تهران ساکن می‌شوند. روستایی که مدرسه اصلی آن تبدیل به محل اسکان بخشی از اهالی جنگجرو شده است. استقرار این خانواده در باغ و همچواری آنها همراه روستا که در عین حالدهلی به سر می‌راند، در حواض گنبدگونی را برای خانواده رقم می‌زند که باعث درک آنها از مشکلات بگذرگد و برشده‌ای بی‌اهمیت اختلافاتشان می‌شود. این‌ها یکی از اجزاهای مهمی‌ایند که استعداد کمک و یاری به مردم در آن دارند. و با اینکه امیر عاشق شیرین شده و برای بی جلب توجه‌ی کارهایی را می‌کند که موجب خشنودی شیرین می‌شود.

^[1]